

مقاله زیر برخی از جریانه‌های اصلی مهاجرت بین‌المللی و سیاست‌های مربوط بدانها را در دهه متعاقب ۱۹۷۴، یعنی زمانی که برنامه عملیاتی درباره جمعیت جهان توسط کنفرانس جمعیت جهانی اتخاذ شد، بررسی می‌کند. این کنفرانس که از جانب سازمان ملل متحد ترتیب داده شده بود در بخارست (رومانی) منعقد گردید. برنامه عملیاتی مذکور به مهاجرتهای کارگری، مهاجرت غیرقانونی یا فاقد اسناد لازم، نقل و انتقالات پناهندگان و مهاجرت به منظور سکونت در کشوری دیگر بذل توجه می‌کند. مطالب مقاله زیر خلاصه‌ای است از گزارشی که سازمان ملل متحد جهت کنفرانس بین‌المللی جمعیت در ۱۹۸۴ تهیه کرده است.

خودداری از استخدام کارگران خارجی توسط کشورهای صنعتی اروپا، که در سال ۱۹۷۴ مراحل نخستین خود را طی می‌کرد، ادامه یافته و بدانجا رسیده است که تعداد نیروی کار بیگانه که هنوز در کشورهای مهم واردکننده کارگر حضور دارند از تقریباً ۶/۵ میلیون نفر در ۱۹۷۴ به ۶/۲ میلیون نفر در حدود سال ۱۹۸۰ کاهش یافته است.

چون در بسیاری از کشورهای اروپایی میزبان، نوزادان والدین خارجی تبعه این کشورها محسوب نمی‌شوند، حتی با فقدان افزایش در تعداد کارگران، به سبب تولد این نوزادان، مشاهده از دیساید جمعیت، غیرمنتظره نیست. با این حال میزان افزایش خالص از افزایش طبیعی کمتر است و این امر دال بر آن است که تعدادی به ممالک اصلی خویش مراجعت کرده‌اند. بیشتر کشورهای میزبان هنوز هم مدعی‌اند که آماده پذیرش مهاجرین به منظور اقامت دائم نیستند. اهداف سیاست‌های آنها از جمله تثبیت میزان جمعیت خارجی در سرزمین خویش و فراهم آوردن وسایل ادغام اقلیتهای خارجی و اکثریت ملی به صورتی است که این اقلیتهای بتوانند تا حدی هویت فرهنگی خویش را حفظ کنند.

کشورهای پذیرنده می‌توانند از طریق تشویق کارگران خارجی و خانواده‌هایشان به مراجعت داوطلبانه به کشورهای فرستنده و دادن تابعیت به آنها، که با محیط جدید خود به خوبی سازگار شده‌اند این جریان تثبیت را متحقق سازند. با تضمین مساوات میان بیگانگان و افراد بومی در زمینه‌هایی از قبیل اشتغال، خدمات اجتماعی و بهداشتی، مسکن با تأمین تعلیمات ویژه (به خصوص در آموزش زبان محلی) جهت کارگران و خانواده آنها، با مبارزه علیه تبعیض و تعصب نسبت به خارجیان و با ایجاد محیطی که زندگی خانوادگی بتواند به نحوی طبیعی رشد کند می‌توان به ادغام این افراد در جمعیت کشور پرداخت.

بدین سبب، اقداماتی در زمینه ایجاد امکاناتی جهت فراهم‌آبی اعضای خانواده، فراهم آوردن وسایل آموزش و اشتغال جهت افراد تحت تکفل کارگران، عواملی مهم در ترویج امر ادغام است. با وجود این گریه اجازه مهاجرت به منظور پیوستن به خانواده توسط کلیه کشورهای که قبلاً واردکننده کارگر بوده‌اند داده می‌شود، با این حال محدودیت‌هایی در این



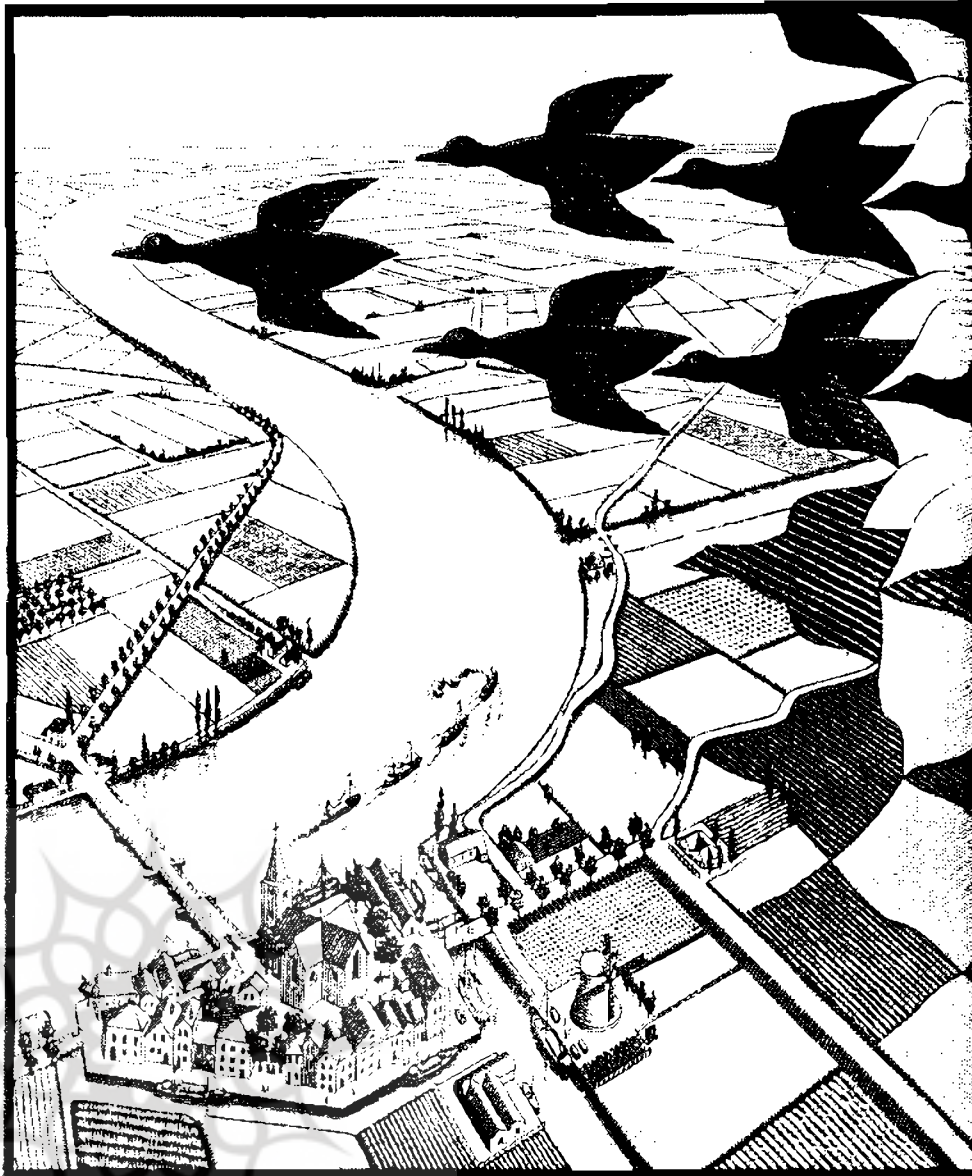
کارگران مهاجر:

تعداد این قبیل کارگران در اروپا کمتر است، به خاطر جمعیت اندک این کشورها غالباً نیروی کار خارجی نسبت بالایی از نیروی کار محلی را تشکیل می‌دهد. این مطلب یکی از علل اقدامات اخیر از جانب کشورهای پذیرنده است که به موجب آن مهاجرت و استخدام سخت‌تر شده است، مهاجرت افراد تحت تکفل را تشویق نمی‌کنند و تا حد ممکن سعی می‌کنند کارگران پس از هر دوره‌ای از کار به کشورهای خویش مراجعت کنند. از جمله این اقدامات استفاده از روشهای جدید وارد کردن نیروی کار است که مثلاً طرحی را به طور کلی به شرکتی خارجی مقاطعه می‌دهند و او انجام همه امور از جمله تهیه کارگران مورد نیاز را بر عهده می‌گیرد.

و بالاخره، گویچه برای دوره‌های اخیر هنوز آساری در دست نیست، احتمال می‌رود که در آفریقا نشت

زمینه وجود دارد و به طور کلی اجازه کار برای همسر و فرزندان بزرگتر به سادگی صادر نمی‌شود. برخلاف تحولاتی که از ۱۹۷۴ در مهاجرت به اروپا مشاهده شده، کشورهای صادرکننده نفت در آسیای غربی و جمهوری عربی لیبی به پذیرش تعداد قابل ملاحظه‌ای از کارگران خارجی، دست کم تا سال ۱۹۸۰، ادامه دادند. افزایش تعداد کل کارگران خارجی بین ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰ در کشورهای مهم واردکننده نیروی کار در این منطقه از ۱/۸ به ۲/۸ میلیون تخمین زده شده است. جمع کل خارجیانی که در آن کشورها اقامت داشته‌اند در ۱۹۷۵ به ۳/۵ میلیون تخمین زده شده بود که احتمالاً از افزایشی نظیر شمار کارگران خارجی برخوردار نبوده است.

هرچند که تعداد کل کارگران خارجی موجود در کشورهای واردکننده نیروی کار در آسیای غربی از



خودکفایی برسند. ولی تازمانی که با کمبود مهارتهای مورد نیاز مواجهند، بیشتر کشورها آماده‌اند که حضور موقتی خارجیانی را که دارای آن مهارتها هستند تحمل کنند.

کانادا و ایالات متحده را بیشتر به عنوان کشورهایی می‌شناسیم که مهاجران را برای سکونت دائمی می‌پذیرند، مع‌هذا این دو کشور نیز تعداد کنیری از افراد را برای تصدی مشاغل موقتی قبول می‌کنند. طی سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۹ ایالات متحده، سالانه به طور متوسط حدود ۹۱۰۰۰ نفر را برای کارهای موقتی، آموزش فنی و یا ضمن برنامه‌های تبادل افراد (به استثنای تمام مهاجرانی که برای اقامت دائم به آن کشور وارد شدند) پذیرفت و کانادا نیز در ۱۹۸۱ حدود ۱۱۳/۰۰۰ پروانه کار صادر کرد که مدت اعتبار آن ۸۴/۰۰۰ برای کمتر از یک سال بود.

در بقیه قسمتهای قاره موارد مهاجرت قانونی و مجاز کارگران استثنایی است. تعداد کشورهایی که فعلاً مهاجرت کارگران را تشویق کنند بسیار اندک است. طی دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ تعداد زیادی از مهاجران برای کار به ونزوئلا آمدند و جمهوری دومینیک نیز میزبان بسیاری از کارگران موقتی از هائیتی بود. به موازات این جریانهای قانونی، جریانهای مهاجرتی غیرقانونی نیز وجود داشته است.

هیچ منطقه‌ای در دنیا از دست مهاجرت غیرقانونی در امان نیست. نابرابریهای اقتصادی ما بین کشورها، به اضافه گرایش عمومی ممالک پذیرنده به تحدید امکانات مهاجرت قانونی، غالباً به جریانهای خلاف قوانین ممالک پذیرنده منجر شده است. در چارچوب نظام موجود در جهان که فقط تعداد نسبتاً اندکی از کشورها مهاجرت را تشویق می‌کنند و یا مجاز می‌شمارند، نقل و انتقالات غیر قانونی ادامه خواهند یافت.

در مناطق مختلف قاره آمریکا جریانهای مهاجرتی نیروی کار در سطحی بسیار وسیع و غالباً بدون موافقت صریح ممالک پذیرنده به وقوع می‌پیوندد. مهاجرت غیر قانونی با فاقد مدرک در این منطقه رواج بسیار دارد. گرچه شواهد موفقی در مورد وسعت این جریانها در دست نیست، ولی احتمال می‌رود که ظرف دهه گذشته افزایش یافته باشند. کشورهایی چون آرژانتین، کانادا، کاستاریکا، جمهوری دومینیک، پاناما، ونزوئلا و ایالات متحده مقصد تعداد قابل توجهی از مهاجران فاقد مدرکی هستند

قابل توجهی طی دهه گذشته تنزل کرده و از ۳۰۰/۰۰۰ کارگر خارجی در ۱۹۷۰ به کمتر از ۲۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۸۱ رسیده است. در افریقای جنوبی استخدام کارگران خارجی موقوف به توافق میان شرکت استخدام کننده و دولتهای فرستنده کارگر است و بدین ترتیب مراجعت کارگران به موطن خویش تضمین می‌شود. در مدتی هم که در جمهوری افریقای جنوبی هستند تغییر شغل یا محل اقامت برای آنها ممنوع است.

از نظر سیاست کلی، تعداد ممالک افریقای که نیاز به کارگر خارجی را احساس کرده‌اند اندک و آنهایی که به منظور ترویج مهاجرت کارگران خارجی اقداماتی معمول داشته‌اند اندکتر است. در واقع، بسیاری از این کشورها اظهار تمایل کرده‌اند که از نقطه نظر نیاز به نیروی کار، به ویژه کارگران ماهر، به

در بازار جهانی که از ۱۹۸۲ اتفاق افتاد و کاهش قیمت نفت که از آن منتج شد بر میزان مهاجرت به آسیای غربی تأثیر منفی گذاشته باشد.

شواهد موجود دل بر آن است که مهاجرت فصلی در افریقای غربی نسبتاً رایجتر است تا در کشورهای جنوبی صحرا و نیز نشان می‌دهند که کشورهای ساحل عاج، گامبیا و سنگال هنوز هم به جذب مهاجران از کشورهای همسایه از قبیل چاد، غنا، مالی، توگو و بورکینا فاسو ادامه می‌دهند.

مهاجرت کارگری از مختصات ناحیه جنوب نیز هست. در اینجا حرکتهای کوتاه مدت (نش تا هژده ماه) مردان جوان به معدنها و مجتمعهای صنعتی افریقای جنوبی (و تا حدود اواسط دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ به زامبیا و زیمبابوه) از همه چشمگیرتر است. ولی میزان مهاجرت کارگران خارجی به افریقای جنوبی به مقدار

پدیده‌ای جهانی

که از شمار فزاینده‌ای از ممالک به آنها رو می‌آورند. سیاستهای ممالک منطقه در مورد مهاجرت غیر قانونی متفاوت است و شامل طیفی از عدم مداخله تا اتخاذ مقرراتی به منظور قانونی کردن وضع مهاجران مورد نظر می‌شود. روش معمول برای تحدید مهاجرت عبارت است از اخراج یا «بازگشت داوطلبانه»، ولی برخی کشورها اقدامات شدیدتری نیز جهت حراست از مرزهای خویش و یا مقررات سخت‌تری در مورد استخدام کنندگان این گونه افراد اتخاذ کرده‌اند تا از این رهگذر از ورود غیرقانونی مهاجران جلوگیری به عمل آورند.

مهاجران فاقد مدرک در اروپا نیز فراوانند. سیاستهای محدودکننده‌ای که در سال ۱۹۷۳ اتخاذ شد بسیاری از طالبان کار را بر آن داشت که یا به صورت غیر قانونی به کشوری وارد شوند و یا از طریق قانونی وارد شده و غیر قانونی به کار اشتغال ورزند. کشورهایی که قبلاً واردکنندگان نیروی کار بودند برای مهار کردن مهاجرهای غیر قانونی و جلوگیری کردن از تزیاید آن به اقدامات متنوعی توسل جستند. نظارت بیشتر بر مرزها، سختگیری در صدور روادید، جرائم سنگینتر برای عاملین این قبیل رفت‌آمدها و استخدام کنندگان مهاجران غیر قانونی از جمله این اقدامات است.

در حال حاضر موفقیت این اقدامات یا میزان فعلی جمعیت غیر قانونی را نمی‌توان به صورتی قابل اعتماد برآورد کرد. ولی باید خاطر نشان ساخت که مهاجران غیر قانونی نه تنها در کشورهایی که قبلاً واردکننده نیروی کار بودند بلکه در کشورهایی که به طور سنتی صادرکننده این نیروها بوده‌اند نیز حضور دارند. بدین ترتیب که یونان، ایتالیا و اسپانیا گزارش کرده‌اند که تعداد زیادی از افراد به طور غیرقانونی در آن کشورها اقامت دارند و این

امر به مشکل ایشان در حل مسائل شهروندان خود آنها که به موطن خویش بازگشته‌اند افزوده است.

در کشورهای واردکننده نیروی کار در آسیای غربی نیز که به خاطر امکانات اقتصادی مناسب‌تر، مهاجران را جلب کرده است بیگانگان فاقد مدرک نیز یافت می‌شوند. در قسمتهای دیگر آسیا، نواحی یا مالکی چون سنگاپور و هنگ کنگ که از شرایط اقتصادی خوبی برخوردارند مهاجران غیرقانونی را به خود جلب کرده‌اند. در هند نیز انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی به ایجاد جمعینهای کثیری از مهاجران انجامیده که وضع قانونی آنها در حال حاضر روشن است.

در افریقا اخیراً ایجاد دولتهای مستقل که مرزهایشان در بعضی از موارد با حدود سنتی قومی و قبیله‌ای مطابقت ندارد غالباً به رفت‌وآمد افراد فاقد مدرک در مناطقی منجر شده است که قبلاً نقل و انتقالات جمعیتی به صورت عادی و بدون محدودیت انجام می‌شد. به طور کلی سیاست کشورهای ذی‌نفع در مورد این نقل و انتقالات آزاد منشانه بوده و مهاجران توانسته‌اند در کشور پذیرنده مقیم و به کار مشغول شوند. ولی در سالهای اخیر بعضی از کشورها به اخراج این قبیل افراد دست زده‌اند که این امر متضمن محروم کردن افراد از حقوق انسانی بنیادی ایشان است. در دهه گذشته به اهمیت مسئله پناهندگان به حد قابل توجهی افزوده شده است. این امر معلول تعداد فزاینده پناهندگان و نیز جنبه‌های سیاسی این نقل و انتقالات است. بر اساس گزارش دفتر کمیسیون پناهندگان سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۷۴ (به استثنای فلسطینیان) تعداد پناهندگان بالغ بر ۱/۸ میلیون نفر بود ولی در پایان سال ۱۹۸۱ تعداد آنها (به استثنای ۱/۹ میلیون فلسطینی که آژانس کمک و کار بین‌المللی برای پناهندگان فلسطینی

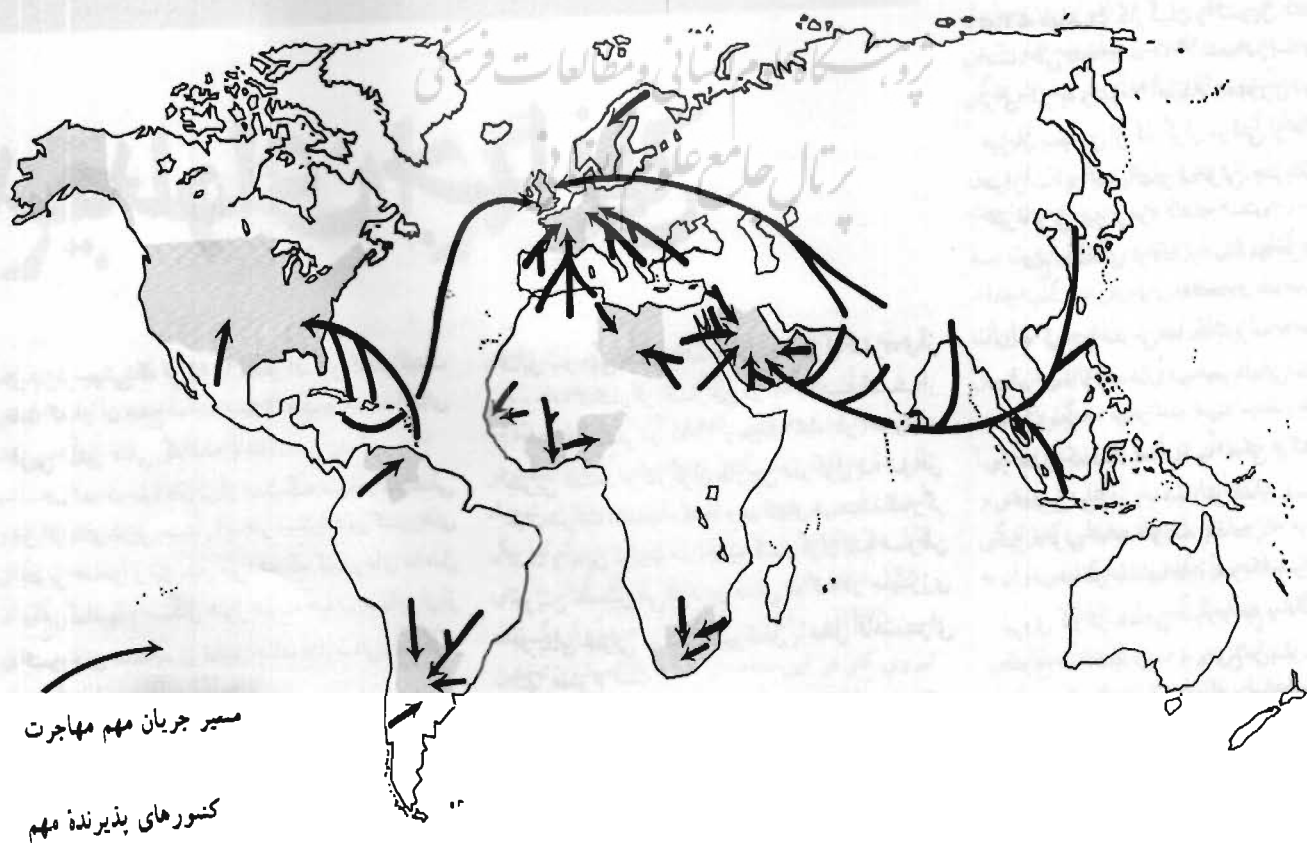
در خاور نزدیک به امورشان رسیدگی می‌کنند) به حدود ۶/۸ میلیون نفر افزایش یافته بود.

به خاطر طبیعت نقل و انتقالات پناهندگان، ارقام یاد شده صرفاً تقریبی است ولی با وجود این وسعت مسئله را نشان می‌دهد. در واقع، رقم مربوط به سال ۱۹۸۱ قریب به دو میلیون نفر از پناهندگانی را که در کشورهای ثالث به طور دائم اسکان داده شده و یا تعداد زیادی از کسانی را که به کشورهای خویش بازگشته‌اند شامل نمی‌شود. علیرغم مساعی قابل توجهی که جهت اسکان پناهندگان به عمل آمده، اکثریت عظیمی هنوز در کشورهای رو به توسعه که معمولاً اولین کشور ورود پناهندگان است اقامت دارند. تنها در افریقا، تعداد پناهندگان بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۸۱ از یک به تقریباً سه میلیون نفر افزایش یافت. در آسیای جنوب شرقی نیز در پایان ۱۹۸۱ حدود ۳ میلیون پناهنده در انتظار اسکان در کشورهای ثالث بودند.

سیاستهایی که دولتها در مورد پناهندگان اتخاذ کرده‌اند به طور کلی مبتنی بر ملاحظات بشردوستانه بوده است. در برابر شمار فزاینده پناهندگان در سراسر جهان، بسیاری از کشورهای رشد یافته کوششهای ویژه‌ای جهت پذیرش پناهندگان بیشتر به خرج داده‌اند. ولی، از آن جایی که ورود مستقیم پناهندگان به اغلب این کشورها به ندرت صورت می‌گیرد، این امکان برای آنها فراهم آمده است که پناهندگان مورد قبول خویش را انتخاب کنند و در نتیجه معیارهای مربوط به مهارتها و یونتهای خانوادگی به زبان اکثریت عظیمی از پناهندگانی است که بستگانی در کشورهای پیشرفته ندارند و غالباً از مهارتی برخوردار نیستند.

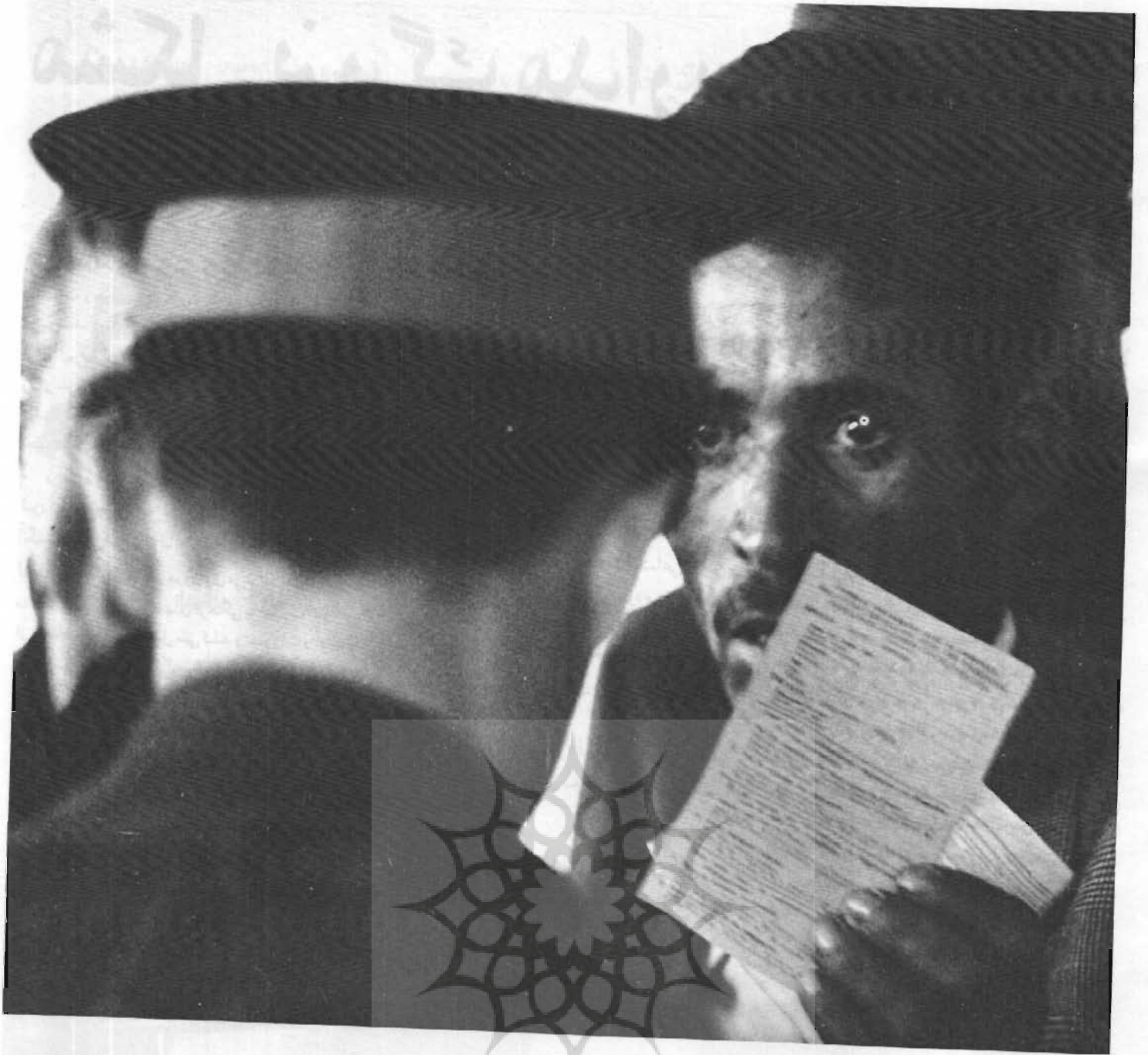
کشورهایی که تعداد زیادی از پناهندگان مستقیماً بدانها وارد می‌شوند اساساً دو شیوه عمل را در پیش

جریانهای مهم مهاجرت کارگری بین‌المللی در بیست سال گذشته



توجه: به استثنای جریانهایی که به اروپا، غنا و نیجریه منتهی می‌شوند، مابقی کمابیش به میزان قبلی ادامه دارند.

منبع: گزارشهای مربوط به جمعیت، سببها - اکتبر ۱۹۸۲، لندن، سازمان همکاریها، بالتیمور، امریکا.



لحظه سرنوشت‌ساز بین گذشته و آینده، بیکاری و اشتغال، بیم و امید.

و بالاخره، در مورد مهاجرت به منظور اسکان دائمی باید به جریانه‌های اخیر در ورود و خروج مهاجر از کشورهایی که به طور سنتی مهاجر پذیر بوده‌اند نیز اشاره کرد. این کشورها عبارتند از: استرالیا، کانادا، زلاند نو و ایالات متحده. در دهه ۱۹۷۱-۱۹۸۱ ایالات متحده تنها کشوری بود که در آن میزان مهاجرت به طور مستمر افزایش نشان داد (بیشتر بدین سبب که در اواخر دهه تعداد قابل ملاحظه‌ای از پناهندگان، طبقه جدیدی در مقررات مهاجرت که هنوز با سهمیه‌بندی محدود نشده است، پذیرفته شدند).

قوانینی که اخیراً در مورد مهاجرت توسط دولتهای استرالیا، کانادا و زلاند نو به منظور انطباق بیشتر مهاجران با نیازهای ملی تهیه شد، علیرغم شمار بیشتری از پناهندگان که در آنها پیش‌بینی شده، به کاهش تعداد پذیرفته‌شدگان انجامید. در حقیقت آمار مربوط به مهاجرت از زلاند نو نشان می‌دهد که در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ این کشور از نظر مهاجرت دارای نرخ رشدی منفی بوده است. از این اوضاع و احوال چنین برمی‌آید که در مورد کشورهایی که معمولاً مهاجرپذیر بوده‌اند تعداد جاهایی که در دسترس مهاجران آتی قرار دارد احتمالاً افزایش نخواهد یافت.

گرفته‌اند: (الف) ایجاد اردوگاههای «موقت» برای پناهندگان به طوری که نیازهای اساسی آنها را با کمک جامعه بین‌المللی برآورده سازد و (ب) پناهندگان در نواحی روستایی اسکان داده می‌شوند و زمین در اختیار ایشان گذاشته می‌شود و تشویق می‌شوند که به حد خودکفایی برسند. در این مورد، با جلب کمکهای بین‌المللی، نسبت به ادغام پناهندگان در روند کلی عمران کوششهایی به عمل آمده است. سیاستهای اسکانی در افریقا معمول بوده‌اند و در آسیای جنوب شرقی، که محل عمده پناهندگان برای اسکان مجدد در ممالک ثالث بوده است، از اردوگاههای موقت استفاده می‌شود.

سهم ارگانهای مختلف سازمان ملل در فراهم آوردن کمک، تأمین جانی و تسرت ارثیه پناهندگان، و بذل کوشش در جهت یافتن راه‌حلهای دائمی برای وضع اسفناک آنها دارای اهمیتی شایان توجه است. کمیسیون پناهندگان سازمان ملل نه تنها در جلب حمایت از بر نامه‌های اسکان مجدد، بلکه در کمک به هزاران پناهنده جهت بازگشت داوطلبانه به موطن خویش نیز موفق بوده است. حمایت جوامع جهانی از ارگانهای مربوط به مسائل پناهندگان وابسته به سازمان ملل دال بر اهمیت این فعالیتها و درک نیاز به تداوم آنهاست.